

آیا این فقر گسترده در کشور ما پذیرفتنی است؟

بازارهای ایران را اشغال کرده است جز سودرسانی به واردکنندگان کلان که وابستگان به حکومتند و رشوه دادن به چین برای حمایت از حاکمیت جمهوری اسلامی در مجامع جهانی چه توجیهی میتواند داشته باشد؟ در حالی که در هر بزنگاه حساس هم شاهد شانه خالی کردن چین از حمایت های مورد انتظار جمهوری اسلامی هستیم. در سایه حاکمیت ملی است که در مورد صنعت توریسم در جهان سهم شایسته ی نصیب ایران میگردد. در سایه حاکمیت ملی و برقراری دموکراسی است که از غارت ثروت های مردم توسط وابستگان به قدرت سیاسی جلوگیری میشود و فساد مالی گسترده ای که گاهی مشتی از خروار آن در گیر و دار اختلافات داخلی جناح های درون حاکمیت از پرده بیرون میافتد برچیده میشود و ثروت های مردم برای مردم و برای رفاه و آسایش آنها هزینه میگردد. در سایه حاکمیت ملی است که اموال و داراییهای این ملت در اینجا و آنجا بیهوده بذل و بخشش نمیگردد و پول این مردم فقیر در کشورهای آمریکای لاتین و نوار غزه و حزب الله لبنان و عراق و افغانستان و جاهای دیگر برای محاسبات اشتباه و افکار واهی هزینه نمیگردد.

در سایه حاکمیت ملی و برقراری دموکراسی است که هزینه سنگین تهیه ابزار سرکوب و استخدام نیروهای سرکوب گر و مزدور برای سرکوب مردم به سوی هزینه های رفاهی مثل هزینه درمان و آموزش و پرورش چرخش مینماید. در نتیجه به ضرس قاطع میتوان گفت که این فقر گسترده، بیکاری، تورم و گرانی روز افزون، مفسد اجتماعی و اعتیاد و دیگر نابسامانی ها زائیده سوء سیاست ها و سوء مدیریت ها و باختصار نتیجه فقدان دموکراسی و حاکمیت ملی است. این فقر گسترده در ایران پذیرفتنی نیست. حق ملت ایران با این همه مواهب طبیعی و این همه منابع زیرزمینی و این همه استعداد ذاتی و این موقعیت ممتاز استراتژیک داشتن رفاه و سعادت در سایه دموکراسی و حاکمیت ملی است.

انسانی در روی کره خاک باشد ولی با تاسف واقعیت غیر از این است و اکثریت ملت ایران از نیازهای اولیه انسانی مثل مسکن قابل قبول، غذای کافی و مناسب، کار و اشتغال، استفاده از درمان، استفاده از آموزش و پرورش و تامین اجتماعی محروم است. علت آن چیست؟

علت آن است که این ملت از بیش از یک قرن پیش و از انقلاب مشروطیت تاکنون به جز چند برهه کوتاه و گذرا از آزادیهای اساسی و نتیجتاً از دست یابی به حاکمیت ملی محروم بوده است. آزادی بیان، آزادی قلم، آزادی احزاب، آزادی اجتماعات و آزادی انتخابات پیش نیازهای لازم برای استقرار حاکمیت ملی است که متأسفانه ما از داشتن آنها جز در برهه هائی کوتاه محروم بوده ایم. ادعای ملی و مردمی بودن حکومتها بدون پذیرش آزادیهای اساسی جز دروغی بزرگ و نیرنگی آشکار چیز دیگری نیست و با فقدان حاکمیت ملی و دموکراسی، همه راههای رفاه و پیشرفت و تعالی بروی ملت بسته است. در سایه آزادیهای اساسی مثل آزادی مطبوعات و آزادی احزاب و آزادی اجتماعات است که راه های مفسد مالی و غارت ثروت های ملی مسدود میشود. زیرا همانطور که ملک المتکلمین گفت «ریشه هیچ فسادى قطع نمیشود مگر به تیشه ی آزادی». در سایه آزادیهای اساسی است که شایسته سالاری تحقق میابد و از سوء مدیریت ها و سیاست های اقتصادی نادرست و حیف و میل اموال عمومی و بذل و بخشش های خودسرانه جلوگیری میشود. در سایه حاکمیت ملی است که دروازه های کشور اینگونه با بی پروائی به روی کالاهای به دردخور چینی باز نمیشود و سالیانه میلیاردها دلار از ثروت این ملت به کیسه چینی های طماع و بنجل ساز ریخته نمیشود و با این سیاست نابخردانه هزاران کارگاه تولیدی کوچک و بزرگ در ایران به تعطیلی کشانیده نمیشود و تولید داخلی ما به ورطه سقوط آزاد نمی افتد و میلیون ها نفر از جوانان این کشور بیکار نمیگردند. براستی این واردات سرسام آور از چین که تمام

میهن ما ایران سرزمینی است باستانی با فرهنگ و تاریخ کهن و قدمتی چند هزار ساله با وسعت یک میلیون و ششصد و چهل و هشت هزار کیلومتر مربع که مساحت آن یک درصد کل خشکی های جهان را تشکیل میدهد و در منطقه ای استراتژیک در چهارراه ارتباطی آسیا به اروپا و آفریقا واقع شده است. این سرزمین دارای آب و هوای بسیار متنوع و در نتیجه برای تولید انواع محصولات کشاورزی مستعد است و قادر به تامین غذای جمعیتی ده ها برابر جمعیت این کشور است و میتواند صادر کننده عمده مواد غذایی باشد. این کشور برای دامپروری سنتی و صنعتی بسیار مناسب است و زمینه هائی خیلی بیشتر از آنچه امروز استفاده میشود دارد. وطن ما در شمال و جنوب مرزهای آبی طولانی حدود دو هزار و هفتصد کیلومتر دارد که علاوه بر امکان استفاده از راههای دریایی و بندرگاه ها، امکان بهره مندی از منابع دریایی و آب زیان مختلف را نیز دارد. سرزمین ما پانزده درصد از ذخایر نفتی و پانزده درصد از کل منابع گاز جهان را در دل خود جای داده است. علاوه بر آن از معادن گوناگون مانند آهن و مس و طلا و اورانیوم و غیره برخوردار است. کشور ما حدود هفتاد میلیون جمعیت یعنی یک درصد جمعیت کل جهان را داراست که اکثریت آن را جوانان زیر ۳۵ سال و نیروهای کار بالقوه تشکیل میدهند. ملتی با ضریب هوشی بالا بطوریکه تحصیل کردگان و متخصصین ما در اکثر نقاط جهان در مشاغل و مناصب علمی و دانشگاهی برجسته قرار دارند. کشور ما دارای جاذبه های توریستی بسیار و در برخی موارد منحصر به فرد است که قطعاً میتواند بخش قابل توجهی از درآمدهای توریستی جهان را به خود اختصاص دهد. آیا در کشوری با این مشخصات و این امکانات این فقر گسترده پذیرفتنی است؟

بدون شک و بلا تردید پاسخ این سؤال منفی است و برای چنین کشوری نه تنها فقر قابل قبول نیست بلکه این ملت باید جزو مرفه ترین و خوشبخت ترین جوامع